



نیم قرن خطا در سیاست ارزی

عصر روز چهارشنبه ۳۰ خرداد ۹۷، نشست فرصت‌سازی از شوک ارزی با حضور دکتر ناجی (عضو هیئت علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران) و سخنرانی علی میرزاخانی (سردبیر روزنامه اقتصاد) در محل تالار تدبیر مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست‌جمهوری برگزار شد. ۴۷

در ابتدای این نشست، دکتر ناجی (مدیر بخش اقتصادی مرکز بررسی‌های استراتژیک) درباره شوک ارزی گفت: شوک ارزی، شبیه زلزله است؛ مخرب. اما زلزله قابل پیش‌بینی نیست اما شوک ارزی همیشه عامل انسانی دارد و محصول عملکرد خودمان است.

علی میرزاخانی در شروع سخنرانی خود به سه سوال اساسی اشاره کرد: اهمیت سیاست ارزی چیست؟ چرا در نیم قرن اخیر، دائماً در سیاست‌های ارزی خطا کردیم؟ سیاست‌های ارزی غلط چه تهدیداتی برای کشور دارد؟

سردبیر روزنامه اقتصاد مهم‌ترین کارکرد نرخ ارز صحیح را، ایجاد تعادل در تراز تجاری دانست و گفت: عموماً کشورها به دنبال افزایش صادرات و کاهش واردات هستند و در اوایل قرن ۲۰ از تعرفه برای تحقق این موضوع استفاده شد. اما یکی از کشورهایی که تعرفه را دور زد، چین بود. چین، سیاست ارزی را جایگزین تعرفه واردات کرد. آمریکایی‌ها از این سیاست چین با عنوان اسلحه ارزی یاد کردند.

میرزاخانی افزود: از ۷۰ میلیارد دلار واردات کشور، اکثر منابع تامین ارز، از طریق فروش نفت و محصولات پایه نفتی است و این بیانگر انحصار دولت در بازار ارز است. معمولاً انحصارگران تمایل به نرخ بالا دارند اما در این موضوع به‌خصوص، تعیین نرخ پایین، مطلوب دولت است؛ چرا که هدف، راضی نگه داشتن مردم و به نوعی پوپولیسم است که در اکثر دوره‌ها قابل مشاهده است.

میرزاخانی یکی از اقدامات ضروری حوزه ارز را تعیین شاخص هدایت‌گر و راهنما دانست و بیان داشت: نرخ تورم یکی از شاخص‌های هدایت‌گر در تعیین نرخ ارز است. تورم به معنای کاهش ارزش پول است و این با نرخ برابری ارز تفاوت دارد. میرزاخانی با ذکر دو مثال این تفاوت را توضیح داد: از سال ۸۴ تا سال ۹۰، شاخص تورم دوبرابر شد و ارزش پول مردم نصف شد اما نرخ دلار ثابت بود. ثبات نرخ دلار در این بازه، به معنای حفظ ارزش پول نبود. این اتفاق بین سال‌های ۹۲ تا ۹۶ نیز افتاد و با اینکه شاخص تورم ما ۸۰ درصد رشد داشت، نرخ ارز ثابت بود. این بدان معناست که ارزش‌داری داخلی افزایش می‌یابد، قدرت خرید کاهش می‌یابد اما ارزش ارز ثابت می‌ماند و این موجب خروج سرمایه از کشور

می‌شود.

میرزاخانی در نقد خطای همیشگی دولت‌ها در تثبیت نرخ ارز گفت: افزایش قیمت ارز ناشی از خروج سرمایه از کشور، معلول سیاست تثبیت نرخ ارز است.

میرزاخانی دو دسته دلیل عینی و ذهنی را به عنوان عامل خطای دولت‌ها ذکر کرد و گفت: خطای اول، مغالطه ترکیب است. یعنی اگرچه کاهش نرخ ارز برای یک یا چندبنگاه موجب کاهش هزینه تولید می‌شود اما کاهش نرخ ارز برای همه بنگاه‌ها موجب افزایش هزینه تولید می‌شود.

میرزاخانی خطای دوم را خطای انفعال بازار نامید و گفت: این تصور غلطی است که با تعیین نرخ ثابت ارز، بازار از آن تبعیت می‌کند. تعیین نرخ ثابت و دستور همواره موجب افزایش نرخ ارز شده‌است.

سردبیر روزنامه اقتصاد خطای سوم را اینگونه تشریح کرد: تصور غلطی در میان دولت‌ها وجود دارد که اگر نرخ ارز پایین باشد موجب محبوبیت سیاسی شود.

میرزاخانی در جمع‌بندی خود گفت: ما اگر نرخ ارز را هم‌پای نرخ تورم تعیین کنیم، هیچ‌گاه جهش ارزی را تجربه نمی‌کنیم. مثلاً در دوره سیدمحمدخاتمی، به دلیل این که نرخ ارز براساس مابه‌التفاوت تورم داخلی با تورم خارجی، تعیین شد شاهد جهش ارزی نبودیم.

میرزاخانی درباره کمپین نخریم نیز گفت: چون گرانی‌ها ناشی از نرخ تورم است، این کمپین غلط است و اثرگذار نیست و موجب از دست رفتن اعتبار اجتماعی شخصیت‌های فرهنگی، ورزشی و... به عنوان بانیان کمپین‌ها می‌شود.